

نویسنده: شاهو احمدی^۱

کاربرد هیپنوتیزم در علم پزشکی

چکیده:

هیپنوتیزم از شاخه‌های علم روانشناسی است که خصوصاً در سالهای اخیر بسیار مورد توجه همگان بوده است. این مقاله پس از معرفی مختصر و اشاره به نکاتی در تاریخ هیپنوتیزم و ساقه آن در ایران، به مباحثی در زمینه روانشناسی هیپنوتیزم، اثرات تلقین و تلقین‌پذیری، تاثیر مکانیکی هیپنوتیزم، نقش ذهن و روان در بیماری و سلامتی و ... می‌پردازد.

اینکه در سال ۱۸۴۱ دکتر برید، واژه هیپنوتیزم را که از لغت یونانی ((hippou)) به معنای خواب گرفته شده بود، برای این حالت انتخاب کرد و با طرد و بایگانی تاریخی نظریه مانیاتیزم (مانیتیسم)، عصر هیپنوتیزم علمی آغاز گردید. او معتقد بود که هیپنوتیزم بیشتر بر اثر حالت جذبه و شور پذید می‌آید، که شکلی از باور به تم رکر یا فیکساسیون بود. پس از او، دکتر الیواتسون و دکتر اسدیل از تلقینات لفظی و قدرت خود آن، برای انجام اعمال جراحی کوچک و بزرگ استفاده می‌کردند.

سالها بحث و جدل بین دکتر ڈان شارکو، استاد بیماریهای اعصاب در بیمارستان سالپه تریه در پاریس و پروفسور برنهایم - استاد دانشکده پزشکی نانسی - وجود داشت و بالاخره به نفع برنهایم تمام شد. او معتقد بود که به کمک تلقینات لفظی و تحریکات عصبی، می‌توان به ایجاد هیپنوتیزم نایل آمد و با تجربیات و تحقیقات زیاد، نظریه شارکو را - که هیپنوتیزم را نشانه ای از هیستروی می‌دانست - رد کرد. زمانی که ایجاد هیپنوتیزم از طریق تلقین پا گرفته بود، مایرز نظریه جالبی را مطرح کرد که بر اساس آن در سطحی پائین تر از هوشیاری، جدالی بین دو شخصیت درونی انسان برقرار است. این نظریه بعدها توسط برخی از روان‌شناسان آمریکا مانند پروفسور ویلیام جیمز و دکتر بوریس سیدیس به صورت بهتری تعریف و توصیف گردید و نظریه ((ضمیر مادون آگاه)) پا به عرصه علم گذاشت. این نظریه به برخی از دانشمندان و پژوهشگران مکتب جدید نانسی، کمک کرد و این افراد از جمله پروفسور شارل ریشه، پیرزانه، امیل کونه، پل دوبوا، اکوردویچ، موبیوس مایرز،

شاید شما نام ((خوزه سیلو)) نویسنده کتاب پر فروش دستان شفا بخش را شنیده باشید. نظر شما درباره این کتاب و مطالعی از این قبیل چیست؟ آیا این مسائل واقعیت دارد یا اینکه همگی اوهام و تخیلات است؟ در این مقاله سعی می‌شود به طور جامع و مختصر به بحث پیرامون این موضوع پرداخته شود.

الف) نکات تاریخی هیپنوتیزم:

تاریخ هیپنوتیزم نوین با زندگی دکتر ((فرانتس آتسوان مسمر)) آغاز می‌شود که در فواصل سالهای ۱۷۶۰ تا ۱۸۴۲ زندگی می‌کرد. او به ابعاد و اهمیت نظریه مغناطیس حیوانی، که صدها سال قبل از او هم وجود داشت، اهمیت و اعتبار زیادی بخشد. وی بر اساس این نظریه جذاب قدیمی، سیستم درمانی نو و پر قدرتی را بنا نهاد و علت پیدایش تمام بیماریهای انسانی را اختلال در توزیع این ((سیاله کیهانی)) در بدن انسان دانست و تصور می‌کرد این اشعة ها و انرژی‌های جهان شمول یا جانشین زمینی آنها، می‌تواند به برقراری سلامت کمک کند. هر چند در جریان ((بحوارهای مغناطیسی)) دکتر مسمر با تعداد بیشماری از پدیده‌های هیپنوتیزمی روپرورد شده بود، ولی او کاملاً از این مساله بی‌خبر بود و بعدها یکی از شاگردان او به نام ((مارکی آرماند پویی سگور)) با خلصه هیپنوتیزمی برخورد کرد و آن را ((سومانابولیسم مصنوعی)) نامید. وی این حالت را مشابه با وضعیت خوابگردی می‌دانست، که در برخی از افراد در شب و در جریان خواب پذید می‌آید. پیروان دکتر مسمر و پویی سگور هم به غلط به عقیده مغناطیسی جوانی معتقد بودند، تا

^۱-دانشجوی سال دوم عمران دانشگاه آزاد اسلامی ستدج



جیمز بوده، به این ترتیب به مجموعه سوالات فوق جواب می‌گوید: «(هیپنوتیزم یک حالت غیرطبیعی (یا فوق طبیعی) مغز است که به صورت مصنوعی پدید آمده است و عمدتاً با خاصیت تلقین پذیری اخراجی مشخص می‌شود)» اگر ما به شرح و تفسیر مطالب فوق بپردازیم، متوجه می‌شویم که عامل مهم و مسلط در پیدایش و اختصاصات هیپنوتیزم، تلقین و تلقین پذیری است. آنچه که دکتر سیدیس از آن به عنوان صورت مصنوعی یاد می‌کند، تلقین است. نتیجه این جریان، که هیپنوتیزم نامیده می‌شود، یک حالت افزایش تلقین پذیری است و در این شرایط سوژه آمادگی با تمایل شدیدی نسبت به قبول و اجرای تلقیفات هیپنوتیزور نشان می‌دهد.

راستی تلقین چیست؟ دکتر سیدیس معتقد است، تلقین به این معناست که، یک عقیده به صورتی ناخوانده و سرزده به فکر فردی وارد شود و در این جریان با مقاومت و مخالفت بسیار ناجیزی روبرو شده و یا اینکه غالباً بدون بحث و انتقاد مورد قبول سوژه قرار گرفته و شواهد قبول این عقاید به صورت انجام برخی از اعمال و رفتارهای اتوماتیک و خودکار تظاهر پیدا کند. به عقیده بالدوین تلقین عبارت است از: «(گروه عظیمی از پدیده ها که با ورود راحت و ناگهانی به ضمیر ناخودآگاه شخص شده و این عقاید و تصاویر از صافی ضمیر آگاه عبور نمی‌کنند ... و این تصاویر و عقاید بصورت جزئی از جریان فکری ما در می‌آیند و بعدها این تلقینات از سوی سوژه، پذیرفته شده و از آن به بعد یا سوژه آنها را قبول کرده و یا اینکه بر اساس آنها عمل می‌کند.)» در زبان یا فرهنگ هیپنوتیزم، واژه تلقین در مفهوم دقیقش برای مشخص کردن مطالبی به کار می‌رود که هیپنوتیزور برای القای خلسه هیپنوتیزمی مورد استفاده قرار می‌دهد، همینطور مطالب و دستوراتی که به او در شرایط ارائه می‌دهد که سوژه در خلسه هیپنوتیزمی قرار گرفته باشد. از سوی دیگر هیپنوتیزم یک حالت ذهنی است که در آن فرد از تلقین پذیری بهتر و مناسب تری بهره مند شده است و در مرحله قفل از پیدایش خلسه، این حالت را هیپنوتیزم پذیری یا تلقین پذیری می‌گوییم.

ضمیر ناخود آگاه: ضمیر انسان دارای دو قسم است و یا دو ساختمان مجزا در. ضمیر ادمی وجود دارد. برای سهولت در بیان و فهم، بهتر است که بگوییم هر انسانی دو ضمیر

گورنیه، استانلی هال و فورن، در بسط و شکوفایی این علم جدید کمک کردند. هر چند هیپنوتیزورهای امریکایی خود را جزء این طبقات نمی‌دانند، ولی آنها با برخی از استثناهای بسیار محدود، می‌توانند جزء مکتب جدید نانسی به حساب آینند.

ب) سابقه هیپنوتیزم پزشکی در ایران:

بر اساس کتاب هیپنوتیزم پزشکی ولبرگ، معان ایرانی - یکی از طوایف ششگانه مادها - از طریق تمرکزهای طولانی و سخت چشم، در خویش خلسه هیپنوتیزمی از نوع کاتا لپتیک به وجود می‌آورند و در این شرایط ادعا می‌کرند به قدرت‌های شفابخشی و درمانگری فوق طبیعی دست یافته‌اند. واژه مازیک به عنوان جادو یا ساحری از کلمه معنی یا ماجی مشتق شده است. مانند فوق العاده بر تکنیک های هیپنوتیزم، با القای رؤیت و شهود مسلط بود و بر اساس آنچه که در کتاب ایران، در عمه‌د ساسانیان آمده، به اقدامات شفابخشی و درمانگری هم مشغول بوده است. پروفسور کریستن سن، در کتاب فوق در فصل مانی مفصلان در متن و زیرنویس به این موضوع اشاره دارد. بر اساس مطالعات نیکلسون که در کتاب عرفای اسلام آمده، سیر و سلوک عرفای و صوفیان خیلی به پدیده های هیپنوتیزمی شbahت دارد. تاریخ هیپنوتیزم در ایران به صورت مقدمه ای بسیار مفصل و مستند در مقدمه کتاب هیپنوتیزم، در ۱۱ درس که توسط دکتر ژان - پیر گیوند تالیف و توسط بهنام جمالیان ترجمه شده، آمده است. در لحظات پایانی تهیه این کتاب، انجام دو جراحی بر روی لشه دو بیمار، تنها به کمک هیپنوتیزم و گزارش از ۷۷ مورد دیگر استفاده از هیپنوتیزم در دندانپزشکی، در دانشکده دندانپزشکی دانشگاه تهران توسط آقای دکتر پرویز ترک زبان (روزنامه اطلاعات به تاریخ ۱۴/۰۷/۷۲) این امید را به وجود آورد که هیپنوتیزم پزشکی و دندانپزشکی در ایران از تصور و آرزو به مرحله عمل رسیده است.

ج) روان‌شناسی هیپنوتیزم:

واقعاً هیپنوتیزم چیست؟ چه چیزهایی باعث پیدایش خلسه هیپنوتیزم می‌شود؟ مشخصات هیپنوتیزم کدام است؟ دکتر بوریس سیدیس که یکی از شاگردان پروفسور ولیام

می‌کنند که دقیقاً آنها جیزی درباره ماهیت هیپنوتوژیم بحث نداشتند، تئوریهای متعددی در سالهای اخیر، به خاطر توصیف و توجیه پدیده هیپنوتوژیم ابداع و عرضه شده است، ولی همه آنها نارسا و ناکافی به نظر می‌آیند. اگر تمام نظریه‌ها را هم در کنار هم بگذاریم، هنوز نمی‌توانند به تمام سوالاتی که درباره هیپنوتوژیم می‌شود جواب بگویند. ما امیدواریم که در اینده پژوهشگران بتوانند بر این وادی تاریک داشته باشی از نور بیفشنند.

چگونه می‌توان از قدرت درمانی نهفته در ذات، برای خویش و یا دیگران استفاده کرد؟

نیروهای شفا بخش که در وجود هر شخص قرار دارد، نیرویی اعجاز‌گر است و همه از این موهبت برخوردار هستند. این قدرت هستی بخش عبارتست از هوش و عقل، اعتدال و آرامش، نشاط و سرزنشگی، حال موقعي که می‌گوئیم ما برای دیگران دعا می‌کنیم، منظور این است که ایده‌های صفات خنایی را به سر راه می‌دهیم. برای نیل به این هدف، می‌بایست شرایط روحی و جسمانی خاصی داشته باشیم که قبل از هر چیز آرامش لازم را در خود به وجود آوریم. این حالت بدان می‌ماند که گویی سوار قطار یا اتوبوس بوده اید و در حال عبور، نگاهتان به تابلوی افتاده و نوشته ای را در روی آن دیده اید و تمام متن آن نوشته در خاطرتان مانده و یا به عبارتی تمامی دقت شما معطوف آن گشته است. به همین ترتیب بایستی تمام دقت خود را متوجه فدرت شفا بخش وجود خویش سازید، در آن صورت است که خمیر آگاهان خواسته شما را، در خود جذب و منعکس خواهد کرد و خود از این دگرگونی ناگهانی که در شما به وجود خواهد آمد، حیرت خواهید کرد. حال اگر می‌خواهید برای یکی از عزیزان و نزدیکان خود که در بستر بیماری است، دعا کنید انظر شخصی: با توجه به مبانی هیپنوتوژیم پژوهشکی می‌توان گفت که «اعانوعی» ((اتسو هیپنو)) است او را در حال بهبودی و شفا یافتن در خاطر مجسم کنید، که نیروی درمان بخش ذاتی او که هوش و خرد و کمال و نشاط و شور و شوق زندگی است، او را نجات خواهد داد. این ایده را از صمیم قلب بپذیرید و هیچ فکر دیگری را به سر راه ندهید. اگر بعداً هم خواستید از او باد کنید، همان تصویر را به ذهن بنشانید، گویی برای نخستین بار است که به او می‌اندیشید. اگر آن

دارد، ضمیر آگاه و ضمیر ناخودآگاه. آن اعضا و فضمهایی از بدن که ما می‌توانیم با اراده آنها را به حرکت در آوریم، در محدوده یا تحت تسلط ضمیر آگاه قرار دارند. زمانیکه ما می‌خوابیم، ضمیر آگاه ما غیرفعال شده و گویی از کار افتاده است و اعمال بدن با ضمیر ناخودآگاه اداره می‌شوند. در زمان خواب کلیه حرکات و رفتارهای ما، توسط ضمیر ناخودآگاه اداره و کنترل می‌شوند. رویاهای ما هم که در خواب شاهد آنها هستیم توسط ضمیر ناخودآگاه برانگیخته شده و جزئی از فعالیتهای ضمیر ناخودآگاه به حساب می‌آیند، ولی در زمان خواب هم، ضمیر ناخودآگاه ما از خارج غیرقابل دسترسی است. بنابراین به صورت ضمنی و تقریبی می‌توانیم بگوئیم که در زمان خواب ضمیر آگاه و ناخودآگاه - هر دو - به خواب می‌روند. در شرایط هیپنوتوژیم تا حدود زیادی ضمیر آگاه غیرفعال شده و ضمیر مادون آگاه، تا حدود زیادی فعال می‌شود. هر قدر عمق خلسه بیشتر شود، بدن بیشتر تحت اختیار ضمیر مادون آگاه قرار می‌گیرد. در خلسه هیپنوتوژیم، ضمیر مادون آگاه نه تنها تمام اعمال را تحت کنترل خود در می‌آورد که در گذشته، ضمیر آگاه بر آنها تسلط داشته، بلکه تا حدودی برعی از وظایف ضمیر ناخودآگاه را نیز بر عهده می‌گیرد و برعی از اعمال سیستم عصبی اتونوم یا غیر ارادی توسط آن اداره و کنترل می‌شود. یکی از علی که برعی از بیماریها و الگوهای رفتاری نامناسب در این شرایط توسط هیپنوتوژیم درمانی معالجه می‌شوند، همین خاصیت یا شرایط است. یک سوژه هیپنوتوژیمی بیشتر تلقینات را که به او ارائه می‌شود، می‌پذیرد، مگر آنکه با ارزشهای والا مسود اعتقاد او شدیداً در تعارض باشد، در این شرایط ذهن آدمی قدرت تطابق زیادی نشان داده و بیشتر اعمال بدن سوژه، میتواند تا حدود زیادی با تلقینات هیپنوتوژیور تعديل یا تغییر پیدا کند.

حوال سنجگانه می‌تواند شدت و حدت فوق العاده‌ای پیدا کند و از سوی دیگر با تلقین، ضعیف و یا حتی متوقف گردد، بطوریکه سوژه نسبت به بسیاری از محركها از جمله درد به اندازه ای بی توجه شود که تنها همانند آن را می‌توان در شرایط بیهوشی مشاهده کرد. طبیعت و ماهیت هیپنوتوژیم هنوز به خوبی شناخته نشده است. بسیاری از کارشناسانی که در زمینه هیپنوتوژیم فعالیت می‌کنند، به سادگی قبول

دلسوزی دیگران برای خود، بروز اشکال در ایجاد رابطه با دیگران، حفظ مناسبات و ارتباطات انسانی به مدتی طولانی، داشتن تصویر مخلوط و مهم از خویش، به اینها باید احساس اساسی طرد شدن از سوی یکی از والدین یا هر دو را علاوه کرد، که این موارد در تاریخچه زندگی بیماران سرطانی عمدتاً وجود داشته است). دکتر سیموتون به این نکته اشاره آشکار دارد که هیجانات منفی و مخرب یکی از عواملی هستند که جسم انسان را در معرض خطر بیماری قرار می‌دهند. پس این را هرگز نباید از نظر دور داشت که ضمیر باطن، همواره بایستی تحت نظرات ضمیر روشن و آگاه قرار داشته باشد و فعالیت آن را به حال تحت کنترل در آورد تا شور و نشاط حیات و روشنی و نور از آنجا ساطع شود.

تأثیر مکانیکی هیبنوتیزم:

بسیاری از روانشناسان عقیده دارند که ارگانیزم انسان و اصولاً تمام موجودات زنده، که پیکرشان از آنها و مولکولها تشکیل می‌شود، علاوه بر آن، پیکره ای از انرژی ناب و خالص دارد که البته این انرژی را نباید با انرژی معمول و الکتریسیته و مغناطیس زمینی یکی دانست. گرچه طب نوین وجود چنین انرژی را در ارگانیزم منکر می‌شود، ولی چه جای شگفتی است که تا همین چندی پیش بسیاری منکر وجود پدیده ای به نام ((تله پاتی یا ارتباط افکار از راه دور)) می‌شندند. از این رو از چند دهه پیش دانش جدیدی در رشته روانشناسی به وجود آمد که به اختصار P.S.Y یا پاراپسیکولوژی (Para Psycho Logie) نامیدند. جالب آنکه دانشمندان توسط آزمایش‌های علمی به وجود تله پاتی نیز پی‌برند. در چند دهه قبل در هوای سالهای ۱۹۳۰ پژشکی به نام ((سولویه دموران)) در بازارگشت از خاور دور، دانش جدیدی موسوم به طب سوزنی به ارمغان آورد که در عالم پژشکی سر و صدا و هیجان زیادی به پا کرد. او که این فن را از طبیان چینی آموخته بود تصمیم داشت تا آن را به هم قطاران خود در اروپا و آمریکا و سایر نقاط جهان بیاموزد، ولی با مخالفت پژشکان آن عصر و زمانه که حاضر نمی‌شدند با سوزن به جان بیمارانشان بیفتند، روپرتو شد. در حالیکه اکنون طب سوزنی در دانشکده های پژشکی دنیا تدریس می‌شود و بسیاری از بیماران هم با این دوش و هم با انتقال انرژی

شخص از نزدیکانتان است این آرزوی باطنی را روزانه چند بار تکرار کنید. درمان درد او، ممکن است به سرعت و یا با مرور زمان انجام شود، که این نیز بستگی به ایمان شما دارد. واقعیت این است که گیرنده پیام (آرزوی قلبی) باید به گونه‌ای نیات قلبی شما را ادراک کند و ضمیر باطن او با احساس و اندیشه و نیروی شفا دهنده عجین شود. از سوئی، بر حسب قولانی خاص ضمیر باطن که هر چه را در خود بیذیرید، منعکس خواهد کرد، تندرسی جایگزین بیماری خواهد شد. این را به خاطر داشته باشید که در هنگام دعا برای دیگران، هرگز آنها را در حالت بد روحی و جسمی تصور نکنید. آموزگاری به مادر شاگردش چنین می‌گفت: ((من فکر می‌کنم که پسر شما کمی عقب افتاده اس، بی‌هوش و کم حواس است و من که به او امیدی ندارم)). مادر که پسرش را خیلی دوست داشت با این گفته‌ها دست به دعا برداشت: ((من این را بین و باور دارم که هوش بیکران در ذات وجود او سر بر می‌دارد و مطمئن هستم که عقل و خرد خداوندگار، در او وجود دارد و هوش و ذهن او از پرتو آن غرق در نور و روشنای می‌شود)). آن زن هر روز، صبح و عصر، حدود ده دقیقه این حقایق جلوه‌دانی را در منتهای خلوص نیت تکرار می‌کرد، تا صفات مکتوم در اعماق ضمیرش را از حالت خفتگی درآورد. در آن حال او پرسش را در پیش روی خود مجسم می‌کرد که به او خطاب می‌کند: ((مادر، نگاه کن چه نمره خوبی گرفته ام و آقا معلم تشویق کرده)). مادر این کلمات را به وضوح می‌شنید و پس از آنکه خود را در حالت آرامش مطلق قرار می‌داد، از این موضوع بقیین حاصل می‌کرد که تصویر ذهنی او هر آنچه را که آرزویش را داشته، برایش فراهم خواهد ساخت. طولی نکشید که پسرک شاهد عینی آرزوهای مادر شد و تحولاتی در او به وقوع پیوست آن حقیقتی که مادر بدان ایمان داشت، باعث شد تا آمال قلبی او به فرزندش سرایت کند و ذهنیات او را نیز دگرگون و متتحول سازد. آری: اندیشه، احساس، باور و عقیده می‌تواند جان بگیرد و حالت عینی پیدا کند.

نیروی روحی سلطان را مغلوب می‌کند. دکتر کارل سیموتون -یکی از متخصصان مشهور غدد سرطانی- در مقاله‌ای که درباره پیشگیری از بیماری سرطان نگاشته در این باره چنین توضیح می‌دهد: ((برخی از خصوصیات عمدۀ بیمار سرطانی عبارت است از گرایش به برانگیختن حس

رویاهای شبانه، نمی‌تواند ماده و جوهر اصلی خود را صرفاً از سرخوردگیها و واپس زدگیها گذشته به دست آورد.

نقش ذهن و روان در بیماری و سلامتی:

ذهن ما قادر است ما را بیمار سازد و نیز قادر است ما را سالم گرداند. این از اکتشافات مجدد فرسن بیستم است. در گذشته‌های دور، اهمیت زیادی نسبت به نقش ذهن و روان در سلامتی انسان قائل می‌شدند و یکی از مهمترین تجویزهایی که پژوهشکاران قدیمی به بیماران خود می‌کردند چنین بود: ((به یک سفر برو و سعی کن مدتی از اینجا دور باشی)). در واقع آنچه که پژوهشکار با این تجویز قصد داشتند به بیماران خود القاء کنند، این بود که در حال حاضر چیزی باعث سلب آرامش آنان شده و تغییر و تحول در زندگی باعث بیهویتی بیماران خواهد گردید. با به کار گیری نیروهای ذهنی، شما خواهید توانست سلامتی عمومی خود را حفظ کنید، سیستم ایمنی بدنتان را فعالتر سازید و میزان انرژی بدنتان را افزایش دهید. علاوه بر این از دست عوامل تهديد کننده سلامتی، همچون سرما خودگیرها، سردردها و امراض رها خواهید شد و در زمینه بیهویتی از بیماریهای خطناک تر و حتی بیماری سرطان، کمکهای مؤثری به پژوهشک متخصص خود خواهید نمود. روش سیلوا راهی است امتحان شده و نتیجه بخش در جهت به خدمت گرفتن نیروهای ذهنی با به کار گیری این متد شما نه تنها کنترل سلامتی خود را در اختیار خواهید گرفت، بلکه حتی خواهید توانست دیگران را از فاصله‌های دور — بدون اینکه حتی اطلاعی از آن داشته باشند — در استفاده از برخی امکانات یاری رسانید. امروز علم از این مساله آگاه است، که چنین توانایی در انسان وجود دارد و شعور و نیروهای ذهنی انسان می‌تواند از بعد از زمانی و مکانی فراترود و بر اشیاء و موضوعات پیرامون — حتی از فاصله‌ای بسیار دور — تاثیر گذارد. دانشمندان تا کنون نتوانسته‌اند این پدیده را از نظر علمی توجیه کنند. اخیراً در مؤسسه علوم ذهنی سان آتونیو در تگزاس، آزمودنیهای تحت شرایط آزمایشگاهی توانسته اند میزان فعالیت الکتریکی پوست افراد دیگر را که در فاصله‌ای چندین متر دورتر از آنها در اتاق دیگری قرار داشتند، آزمایش کنند و فعالیت آن را افزایش دهند. در آزمایشگاه دیگری در مؤسسه بکستر در سان دیاگو، محققان موفق شده‌اند، تاثیر

مغناطیسی که بصورت دست کشیدن بر موضع درد صورت می‌گیرد، شفا یافته و عمر دوباره پیدا کرده‌اند.

هیپنو-تیزم و تلقین:

با شناخت کافی از اصول تلقین، به کشف فرآیندهای خودهیپنو-زی که همان افشاراند دانه‌های معین در کشتزار ضمیر باطن است، نایل خواهیم شد. به این منظور بهتر است به مکتبهای تلقینی که از قرن نوزدهم آغاز می‌شود و به جای علم بصورت هنر در می‌آید اشاره نمائیم. ((هانری دورویل)) در ۱۹۲۰ چنین نوشت: ((ما هر اطلاعاتی از تلقین عقلانی شده (یعنی تحمل آرام به فکر و به عقل) داشته باشیم آن را باید مدیون دکتر برننهایم و دو بوا بدانیم که معلومات خود را در اختیار ما نهادند. در ۱۸۸۶ برننهایم در باره فرآیند تلقین بدین گونه اظهار نظر کرده بود: (تلقین عبارت است از برانگیختن ایده‌ای در مغز و شناساندن آن به عنوان یک عنصر حقیقی توسط استعدادهای شعور و ادراک و یا تحمل آن با دخالت ضمیر باطن)).

روانکاوی فروید در باره هیپنو-تیزم:

زیگموند فروید در ششم مه ۱۸۸۶ در موراویا به دنیا آمد و در ۱۹۳۹ در گذشت. در عمر پریار خویش ضمن تحقیق و تالیف فراوان در قلمرو روان و نفس، همراه با بروئر یکی از همکارانش روانکاوی یا پسیک آنالیز را بنیان نهاد. او ابتدا فعالیت خویش را در مؤسسه شارکوی پاریس در زمینه هیپنو-زی خواب مصنوعی آغاز کرد. لیکن پس از چندی درمان بیماران را با هیپنو-زرا کرد، تا با تداعی از آزاد ایشان را معالجه نماید. طرز کار او به این ترتیب بود که این بار بدون اینکه بیمار را بخواباند (هیپنو-ز) به او امکان می‌داد تا ضمیر باطن خویش را فاش سازد (گاهی سالها طول می‌کشید تا فروید می‌توانست به آنالیز باطن بیمار دست یابد).

نظرگاه فروید بر دو عنصر اصلی قرار داشت یعنی تعبیر رویاهایی که اساس و باطنشان از واپس زدگی و غریزه جنسی کودکانه ناشی می‌شد. در آن صورت بود که به قلمروی مجھول و تاریک از روح بشر رسید که تا آن زمان بر کسی مکشف نشده بود و آن ضمیر ناخودآگاه یا شعور تاریک (ضمیر باطن) بود. نام فروید بر سر زبانها افتاد و از آن به بعد بیشتر آثار او به بیشتر زبانهای دنیا ترجمه و چاپ شد. به هر تقدیر، اینک این موضوع به ثبوت رسیده است که

دلیل آن این است که دانشکده های پزشکی آموزش‌هایی صرفاً زیستی- جسمی ارائه می دهند و نقش روان را در درمان بیماریها نادیده می انگارند.

مطلوب ضمیمه

الکتروآنسفالوگرافی: ضبط امواج مغز توسط الکترودهایی که روی جمجمه نصب می شود صورت می گیرد، امواجی که از غشاء مغزی پخش می گردد، بصورت میلیونیوم ولت ضبط می شود، امواج مذبور توسط قلم مخصوصی روی کاغذ اثر می گذارد. قدرت هر گرایش و احساس با ارتفاع اثر و فرکانس با تعداد کنگره ها و پستی و بلندیها با تابیه مشخص می شود. تعدادی از دستگاه های علمی دقیق، برای آزمایش قلب و مغز مورد استفاده قرار می گیرد تا میزان اختلالات این دو عضو مهم تعیین شود. در زیر به شماری از امواج به دست آمده از الکتروآنسفالوگرافی اشاره می کنیم:

امواج آلفا: بین ۸ و ۱۳ سیکل در ثانیه است و در هنگام خواب رفتن به وجود می آید. سوژه بیدار و در حال استراحت است و امواج مذبور بیشتر به تعداد اعصاب و عمق باطنی مربوط می باشد. امواج کند است و این امر، علامت داشتن حالتی آرام و دلپذیر است.

امواج بتا: بین ۱۴ و ۳۰ سیکل در ثانیه است و این امواج سریع و فشرده، علامت تمرکز شدید است و می تواند ناشی از آشفتگی ذهنی و بی قراری باشد.

امواج دلتا: ۰/۵ تا ۳/۵ سیکل در ثانیه است و نشانه پاک شدن شعور است می تواند نشانه خستگی و بیماری نیز باشد. امواج تتا: بین ۴ تا ۷ سیکل در ثانیه است و امواجی کند و تصویر ساز است و مرتبط با نیروی تخیل خلاقه و عميق باطنی. وجود آن در سوژه بیدار استثنایی است و توسط هیبتوتیزم ایجاد می شود.

منابع:

- دکتر مورنی ژوف، ترجمه هوشیار رزم آرما. قدرت شگرف روح. سینچ چاپ فجر اسلام، چاپ دوم، پاییز ۱۳۷۴.
- سیلووا خزو، یسیتون دائرت، ترجمه مجید پزشکی. دستان شفایخش. نسل نوآندیش، چاپ چهارم خرداد ۷۷.
- آرونز هاری، ترجمه دکتر رضا جمالیان. روش نوین استاد شدن در هیبتوتیزم، چاپ چهارم، ۱۳۷۶.
- دکتر مورنی ژوف، ترجمه هوشیار رزم آرما. نیروی تفکر مثبت. ناشر سینچ، چاپ ششم، رومانی ۱۳۷۶.

افکار یک آزمودنی را بر روی سلولهای آزمودنی واقع در گوشه دیگر اتاق، نشان دهند. با وجود همه اینها، شما به تدریج آگاه خواهید شد که بهترین آرماشگاه همان خانه شماست، جاییکه طی بیست قرن افراد بیشماری از تمام سطوح سنی و زمینه های فرهنگی مختلف، نیروهای ذهنی خود را جهت حفظ تدرستی خود و دیگران به کار بسته اند. اکنون، ممکن است پرسید که اینها چه فایده ای برای ما دارد؟ در جواب شما باید گفت فایده اینها آن است که اگر شما نحوه کنترل ذهن و روانتان را بیاموزید، از یک زندگی طولانی تر، شادمانه تر و توأم با تدرستی و نشاط برخوردار خواهید شد. در این زمینه باید این را اضافه کنیم که هم اکنون روش سیلووا در بیش از هفتاد کشور دنیا آموزش داده می شود. میلیونها نفر از افرادی که در دوره های روش سیلووا شرکت داشته اند، نه تنها از آن پس از نیروهای ذهنی خود در جهت حفظ سلامتیسان بهره می بردند، بلکه از توانایی روش سیلووا بینی، خلاقیت، بهره هوشی و توانایی حل مشکلات به میزان خارق العاده ای برخوردار هستند. دوره عملی روش سیلووا، شامل یک دوره آموزشی ۳۲ ساعته است که معمولاً در طی چهار روز ارائه می گردد.

ذهن شما همانند یک کامپیوتر بدنتان را اداره می کند:

روش سیلووا ارتباط تنگاتنگی با عملکرد سیبریتیکی مغز دارد یعنی این روش همانند یک کامپیوتر ذهنی، به عمل می پردازد. مغز انسان دارای سی بیلیون سلول عصبی (نورون) می باشد و این سلولها به مانند قطعات درونی یک کامپیوتر به شمار می روند. مغز کامپیوتر مانند ما، آنچنان برنامه ریزی شده است که بدن ما را اداره کند و تجارب و یادگیریهایمان را ذخیره سازد تا در موقع لزوم بتواند آنها را مورد استفاده قرار دهد.

پذیرش تاثیر ذهن بر بدن از طرف مجتمع پزشکی:
سیاست مجتمع پزشکی، تکیه بر جنبه های جسمانی درمان است. پزشکان توضیحات دیگری در این زمینه، غیر از تاثیرگذاری روان و ذهن بر بدن، ارائه می دهند.